فریاد روشنفکران و آزادیخواهان ایران علیه جنگ در عراق

آز اداندیشان جهان، مردم آگاه و صلح‌طلب برای ما بسی دردناک و تاسف‌بار است که بار دیگـر شـاهد شـعله‌ورشدن آتش جنگ و مردم‌سوزی در گوشه‌ای از جهان هستیم. جنگی وحشیانه که آمریکا و متحدان آن بـا قـدرت نظامی سهمناک خود در رویارویی با یکی از خودکامگان سرکوبگر و مرتجع منطقه علیه مردم محروم و بی‌دفاع عراق به‌راه انداخته‌اند.

جنگی که هدف اصلی آن تامین منافع سرمایه سلطه‌طلب جهانی و حل بحران‌های درونـی آن به قیمت قربانی‌شدن جان هزاران انسان بی‌گناه است. جـنگی ویـرانگـر کـه جـز آوارگـی و بی‌خانمانی، گسترش فـقر، بیماری، تـخریب محیط زیست، نابودی زیرساخت‌های اقتصادی و تقویت دایره‌کور نفرت و تروریسم حـاصل دیگری برای مردم منطقه به ارمغان نخواهـد آورد.

دولت آمریکا و متحدان آن ادعا می‌کنند که هدفشان از برافروختن آتش جنگ سـرنگونی رژیـم دیکـتاتوری عـراق و اسـتقرار نـظام دموکراسی در این کشور است. و این در حـالی است که هنوز پرونده ده‌ها مداخله خونین و ضد مردمی گذشته آن‌ها علیه مردم منطقه و تقویت خودکامگان محلی در خاورمیانه و میهن مـا ایران بسته نشده است.

آیا کسانی که خـود در شکـل‌گیری و رشـد ضدانسانی‌ترین گروه‌های تروریستی از قبیل طالبان و خودکامه‌ترین رژیم‌های دست نشانده در منطقه خاورمیانه از جـمله عـراق، دخـالت آشکار داشته‌اند می‌توانند اهداف واقعی خود را پشت شعارهای مبارزه با تروریسم و دفـاع از دموکراسی پنهان کنند؟

ارتش مهاجم که با نقض تـمامی میثاق‌های بین‌المللی به شیوه‌ای قلدرمآبانه آتش جنگ را در منطقه برافروخته است مـدعی آن اسـت کـه برای کنترل سلاح‌های کشتار جمعی بـه مـیدان آمده است. در حالی کـه خـود از مـخوف‌ترین سلاح‌های سنگین و دوربرد، بمب‌های خوشه‌ای و بمب‌های ده تنی علیه مـردم عـراق اسـتفاده می‌کند.

به گمان مـا ایـن جـنگ جـنگی است عـلیه بشریت و برای تامین مطامع و مـنافع سرمایه سلطه‌گر جهانی.

مردم آزاده و صلح‌دوست جهان

مردم ایران که سال‌هاست درد و رنج جنگ و خـودکامگی را تـجربه کـرده و از نـخستین پیشگامان جنبش‌های آزادیخواهانه در منطقه بوده‌اند. می‌دانند که این جنگ ربطی به مبارزه با تروریسم یا دفاع از آزادی مردم عراق ندارد و خـودی امـپریالیستی و سلطه‌جویانه آن را می‌شناسند.

ما می‌دانیم که در تقابل غارتگران منابع نفتی و خودکامگان مرتجع بـومی، بـاز ایـن مـردم ستمدیده‌اند که جان و مـال و امـنیت و آزادی خود را از دست می‌دهند. ما مجبور نیستیم میان دو قطب جنایت یکی را انتخاب کنیم. انتخاب ما نیروی توانمند و متمدن بشـری بـرای صـلح و آزادی است.

ما هم‌صدا با جنبش جهانی ضـد جـنگ، کـه همانا بازدارنده‌ترین نیروی مردمی علیه جنگ است، خواست‌های خود را به شرح زیـر اعـلام می‌داریم:

ـ اقدام عملی و گسترده و قاطع جهانی برای توقف فوری جنگ بی هیچ قید و شرط

ـ وادارساختن سازمان‌های بین‌المـللی، بـه ویژه سازمان ملل متحد به انجام وظایف خـود برای تامین صلح و دفاع از حقوق بشر، به ویژه مردم بی‌پناه عراق، که تاکنون معوق مانده است

ـ محاکمه جنایتکاران جنگی و جنگ‌افروزان در دادگاه صالح بین‌المللی

ـ آرزوی فوری به وضـع مـصیبت‌دیدگان عراق به منظور پیشگیری از گسترش فـجایع انسانی

با آرزوی هـمبستگی جـهانی بـرای صـلح، عدالت و آزادی

شانزدهم فروردین ۱۳۸۲

این بیانیه توسط قریب به ۴۰۰ تن از فعالین، مشاهیر و متخصصین سیاسی، اجتماعی فرهنگی و علمی در داخل کشور امضا شده است.

فراخوان نیروهای ضدجنگ و مدافع صلح نه به جنگ، ما هم ضدجنگیم!

بیانیه ده‌ها انجمن، تشکل و فعالین سیاسی در مخالفت با جنگ در عراق

ایرانـیان آز ادیـخواه، انـجمن‌ها و نـهادهای فـرهنگی و اجـتماعی، احـزاب و سـازمانهای مـترقی ضـدرژیم جمهوری اسـلامی ایـران، رسانه‌های اینـترنتی خـارج و داخـل کشـور! سرانجام ۲۰ مارس ۲۰۰۳ طبل جنگ از جانب ایالات متحده آمریکا و بریتانیا و متحدان آن نواخته شد.

این جنگ‌افروزی در عراق و سطح منطقه، نه تـنها زندگی فـقر و بـیماری، تـخریب محیط زیست، نابودی زیرساخت‌های اقتصادی و تقویت دایره‌کور نفرت و تروریسم حـاصل دیگری برای مردم منطقه به ارمغان نـخواهـد آورد.

دولت آمریکا و متحدان آن ادعا می‌کنند که هدفشان از برافروختن آتش جنگ سـرنگونی رژیـم دیکـتاتوری عـراق و اسـتقرار نـظام دموکراسی در این کشور است. و این در حـالی است که هنوز پرونده ده‌ها مداخله خونین و ضد مردمی گذشته آن‌ها علیه مردم منطقه و تقویت خودکامگان محلی در خـاورمیانه و مـیهن مـا ایران بسته نشده است.

آیا کسانی که خـود در شکـل‌گیری و رشـد ضدانسانی‌ترین گروه‌های تروریستی از قبیل طالبان و خودکامه‌ترین رژیم‌های دست نشانده در منطقه خاورمیانه از جـمله عـراق، دخـالت آشکار داشته‌اند می‌توانند اهداف واقعی خود را پشت شعارهای مبارزه با تروریسم و دفـاع از دموکراسی پنهان کنند؟

ارتش مهاجم که با نقض تـمامی میثاق‌های بین‌المللی به شیوه‌ای قلدرمآبانه آتش جنگ را در منطقه برافروخته است مـدعی آن اسـت کـه برای کنترل سلاح‌های کشتار جمعی بـه مـیدان آمده است. در حالی کـه خـود از مـخوف‌ترین سلاح‌های سنگین و دوربرد، بمب‌های خوشه‌ای و بمب‌های ده تنی علیه مـردم عـراق اسـتفاده می‌کند.

به گمان مـا ایـن جـنگ جـنگی است عـلیه بشریت و برای تامین مطامع و مـنافع سرمایه سلطه‌گر جهانی.

مردم آزاده و صلح‌دوست جهان

مردم ایران که سال‌هاست درد و رنج جنگ و خـودکامگی را تـجربه کـرده و از نـخستین پیشگامان جنبش‌های آزادیخواهانه در منطقه بوده‌اند. می‌دانند که این جنگ ربطی به مبارزه با تروریسم یا دفاع از آزادی مردم عراق ندارد و خـودی امـپریالیستی و سلطه‌جویانه آن را می‌شناسند.

ما می‌دانیم که در تقابل غارتگران منابع نفتی و خودکامگان مرتجع بـومی، بـاز ایـن مـردم ستمدیده‌اند که جان و مـال و امـنیت و آزادی خود را از دست می‌دهند. ما مجبور نیستیم میان دو قطب جنایت یکی را انتخاب کنیم. انتخاب ما نیروی توانمند و متمدن بشـری بـرای صـلح و آزادی است.

ما هم‌صدا با جنبش جهانی ضـد جـنگ، کـه همانا بازدارنده‌ترین نیروی مردمی علیه جنگ است، خواست‌های خود را به شرح زیـر اعـلام می‌داریم:

ـ اقدام عملی و گسترده و قاطع جهانی برای توقف فوری جنگ بی هیچ قید و شرط

ـ وادارساختن سازمان‌های بین‌المـللی، بـه ویژه سازمان ملل متحد به انجام وظایف خـود برای تامین صلح و دفاع از حقوق بشر، به ویژه مردم بی‌پناه عراق، که تاکنون معوق مانده است

ـ محاکمه جنایتکاران جنگی و جنگ‌افروزان در دادگاه صالح بین‌المللی

ـ آرزوی فوری به وضـع مـصیبت‌دیدگان عراق به منظور پیشگیری از گسترش فـجایع انسانی

با آرزوی هـمبستگی جـهانی بـرای صـلح، عدالت و آزادی

شانزدهم فروردین ۱۳۸۲

این بیانیه توسط قریب به ۴۰۰ تن از فعالین، مشاهیر و متخصصین سیاسی، اجتماعی فرهنگی و علمی در داخل کشور امضا شده است.

بیانیه انجمن اسلامی دانشگاه امیرکبیر رفراندوم حق مشروع مردم

ما برگزاری رفراندوم در ایران را، تنها راه جلوگیری از بحران در ایران می‌دانیم زیرا مایل نیستیم فردا روزی همسایگان غربی و شرقی ما (عراق و افغانستان) از رفراندوم در ایران سخن بگویند و دولتی خارجی مجری برگزاری آن باشد.

۱۲ فروردین ماه ۱۳۵۸، ملـت ایـران بـرای تعیین سرنوشت خود و انقلاب نوپایشان به پای صندوقهای رای رفتند و تقریبا همـه احـزاب و گروههای سیاسی همراه با اکـثریت قـریب بـه اتفاق مردم به تاسیس نظام جمهوری اسـلامی رای مثبت دادند. نکته جالب توجه این است که این رفراندوم فقط برای گزینش نام نظام سیاسی بوده و هیچ متنی به عنوان قانون اساسی در باره ماهیت چنین نظامی تهیه نشده بود. اما چنانچه بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی، وعـده کـرده بود، جمهوری اسلامی باید نظامی می‌شد مانند همه جمهوریهای دنیا.

اکـنون و بـا گـذشتن پـیش از ۲۴ سـال از تصویب قانون اساسی، زوایای گوناگون ایـن نظام بر همگان روشن شـده اسـت. توجـه بـه توزیع اجتماعی قدرت در ساختار حـقوقی و قانونی جمهوری اسلامی، ابعاد مختلف نظام را روشن‌تر می‌سازد. قـانون اسـاسی جـمهوری اسـلامی بـا اسـتناد بـه مـقدمه آن مـتنی ایدئولوژیک می‌باشد که بر پایه نصوص اسلام و قرآن بنا شده است و شالوده اصـلی سـاختار قـدرت و حکـومت در آن اصـل ولایت فـقیه می‌باشد که «ضامن عدم انحراف سازمانهای مختلف از وظایف اصـیل اسلامی‌است». کـار ویژه اصلی قوه مجریه «اجرای احکام و مقررات اسلامی» است و مطابق اصول دوم و چـهارم و پنجم قانون اساسی حاکمیت مختص شرع اسلام بوده و تطابق کلیه قوانین بـا مـوازین اسـلام ضروری می‌باشد که با نـظارت و ولایت امـر یک فقیه صورت می گیرد. قوای سه گانه تحت نظر ولایت مطلقه امر و امامت است (اصل ۵۷). شورای نگهبان قانون اساسی منتخب رهـبری، وظیفه تفسیر قانون اساسی، تعیین عدم مغایرت قوانین مصوب مجلس با شرع اسـلام و قـانون اساسی، تـائید صـلاحیت نامزدهای مـجلس، ریاست جمهوری، خبرگان رهبری و نظارت بر انتخابات را بر عهده دارد و مجلس منتخب ملت بدون وجود شـورای نگـهبان، اعـتبار قـانونی ندارد (اصل ۹۸).

بر طبق اصـل ۱۱۰ قـانون اسـاسی، تـعیین سیاستهای کلی نظام و نظارت بر اجـرای آنـها، عزل و نـصب بسـیاری از مـقامات کشـوری و لشکری (رئیس قـوه قـضاییه، فـرمانده سپاه، شورای نگهبان، ستاد مشـترک ارتش، مجمع تشخیص مصلحت و ..)، تـنفیذ حکـم ریـاست جمهوری پس از کسب رای مردم، عزل رئـیس جمهوری بعد از تصویب مجلس، صدور فـرمان هـمه‌پرسی پس از تـصویب ۲/۳ نـمایندگان مجلس و صدور فرمان اصلاحیه قانون اساسی و تایید همه‌پرسی، همگی توسط رهبری صورت می‌گیرد. مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای منتصب رهبری است که تشخیص مصلحت نظام و نه مردم را بر عهده دارد. لذا، ساختار پیچیده قانون اساسی و نقش عمده ولی فقیه و منصوبان ایشان (شورای نگهبان و قوه قـضاییه و ...) در اداره امور مملکت و حاکمیت کشـور، امـکان اعمال اراده مردم در حاکمیت را سـلب نـموده است.

با توجه به مسائل مذکور، نکات ذیل را اعلام می‌داریم:

۱ - اگر ۲۴ سال پـیش «مـردم حـق تـعیین سرنوشت خود را داشتند و نیاز به قیم نداشتند» امروز نیز نباید این حق از مردم سلب شود. اگر جمهوری اسلامی و قانون اساسی ۲۴ سال پیش باید به تایید مردم می‌رسید و مشروعیتش را از مردم می‌گرفت امروز نیز تنها مرجع مشروعیت بـخش نـظام جـمهوری اسـلامی و یـا سـلب مشروعیت از آن نیز مردم می‌باشند خواستن و نخواستن نـیز حـق مـردم است. لذا خـواست برگزاری رفراندوم جمهوری اسلامی (همانطور که ۲۴ سال پیش برگزار شد) نـباید انـتظاری گزاف و خواسته‌ای نامشروع تلقی شود.

۲ - امـروز بـیست و چـهارمین سـالروز جمهوری اسلامی را در حالی سپری می‌کنیم که همسایه غربی ما به خاطر حضور دیکـتاتوری خونریز و مستبد چون صدام در راس حکـومت آن، در جنگ به سر می‌برد. آنچه در این میان به طنز شبیه است اظهار نظر مـقامات بـلندپایه ایران در باره دفاع از حاکمیت ملی مردم عراق و تجویز نسخه برگزاری رفرانـدوم در آن کشـور است. دفاع از حاکمیت انسان بر سرنوشت خود و حق هر فرد یک رای بـرای تـعیین آیـنده یک ملت، توسط کسانی که میزان عدم پایبندی خود را به دموکراسی و نظر مردم به اثبات رسانده‌اند بسیار مضحک می‌باشد.

نسخه‌پیچان رفراندوم در عـراق بـهتر است ابتدا به کشور ایران نیم‌نگاهی بیافکنند. بی‌شک شـرایط اجـتماعی و فـرهنگی ایـران بسـیار مساعدتر از عراق بـرای اسـتقرار دمـوکراسـی می‌باشد. رشد و بلوغ فکری مـردم ایـران نـیز بسیار بالاتر از مردم عراق برای مسلطشدن بـر سرنوشت خود است و اگر رفرانـدوم در عـراق تجویز می‌شود، اجرای آن در ایـران نـیز بـاید یکی از حقوق مسلم مردم شمرده شود. تا دیگر کشورها بـه ایـن طـرح ایـران بـه چشـم یک

ادامه در صفحه ۱۰

بیانیه جمعی از دانشجویان و دانش‌آموختگان پلی‌تکنیک تهران در دفاع از حمله متفقین به حکومت صدام

جهان شاهد یک جـنگ بـزرگ است. ایـن جنگ، شاید جنگ خیر علیه شر نباشد، ولی بـه طـور قـطع جـنگ علیه شـر است. خـطر گرایش‌هایی که علیه تمدن جدید اعلام جـنگ کرده‌اند و در این مسیر بکارگیری هـر ابـزار و ارتکاب هر عملی را مباح و مجاز مـی‌دانـند، نباید بر کسـی پوشیده بـاشد. ر ادیکـالیسم و فاندامنتالیسم طی‌کردن راه سازندگی را بـرای جبران عقب‌افتادگی‌ها دور از دسترس می‌بیند، و به همین دلیل مسیر تـخریب را انـتخاب کـرده است. اگر حـمله عـراق بـه کـویت جنبه‌های منطقه‌ای این خطر را برملا کرد، حمله القاعده به آمریکا جلوه‌های بین‌المللی آن را آشکار نـمود.

از این پس، در مقابل جریانی که در حسرت توسعه و توانایی، تنها راه رهایی را در انتقام از مراکز قدرت و ثروت می‌بیند، هیچ کس در هیچ جا ایمن نیست. با وجود این بـه نـظر مـی‌رسد انحراف‌های فکری متعددی چشـم را از دیـدن این حقایق ناتوان کرده است. اعراب با تکیه بر خوی قبیلگی و نژادی مدعی‌انـد کـه بـه زیـر کشیده‌شدن یک حاکم عرب، بار خفت آنـان را سنگین‌تر می‌کند! خاورمیانه از ایـن کـه یک زلزله نظم مانوس آن را در هم ریـزد خـوشناک است، حکومت‌های غیردموکراتیک منطقه از آن ترسانند که خلع یک دیکتاتور و سپردن کار به دست مردم تبدیل به یک سنت شود؛ جهان سوم بر آن است که حمله به عراق نـمونه دیگـری از دست‌اندازی قدرت‌های شمال به منابع جنوب است؛ اروپای قدیم نگران است که متحد قدیمی او، آمریکا، در سروری جهان بر او سبقت گیرد؛ محور پکن - مسکو هنوز یادگارهای مبارزات ضدامپریالیستی را از خاطره خود پاک نکـرده است؛ ناسیونالیست‌ها معتقدند که صدام هر چه در عراق کرده، در ملک خصوصی خود انـجام داده است و بیگانگان را نمی‌رسد که در این کار دخالت کنند. و قس علیهذا!!

اکنون، انبوهی از انگیزه‌های مختلف، بـخش مـهمی از افکـار عـمومی جـهان را در مـقابل نیروهای متفق در جنگ برانگیخته است. تمامی این گرایش‌ها زیر پرچم واحـد پـاسیفیسم گـرد آمده‌اند و از آمریکا و متحدانش می‌خواهند که جنگ به راه نیندازند و نگران جان مردم بی‌دفاع عراق باشند. با این وجود، وجدان بیدار و اذهان نقاد انبوهی از شـهروندان جـهان آزاد بـا ایـن سئوال روبرو است که چگـونه دفـاع از صـلح می‌تواند به دفاع از حکومتی منتهی شـود کـه مسئول مستقیم قتل صدها هزار نـفوس بـی‌گناه بوده است. آیا حـملات شـیمیایی و مـیکروبی حکومت صدام علیه مردم غـیرنظامی آن قـدر وخیم نبود که صلح‌طلبان را به حرکت آورد؟ چرا شکنجه و قتل زنـدانیان سـیاسی بـه وسـیله حکومت‌هایی کـه مـردم خـود را بـه گـروگان گرفته‌اند، اعتراض وسیع در دفاع از حق انتخاب ملت‌ها را به راه نمی‌اندازد؟ بر اساس کدام منطق در روابط بین‌الملل، قدرت، درون مرزهای ملی مشروعیت می‌آورد و در سطح بین‌المللی نه؟

برای کسانی که با بازیافت عـقلانیت خـود، میراث به جامانده از مبارزات ضدامپریالیستی گـذشتگان را کـنار گـذاشته‌انـد، از چـنبره مـلی‌گرایـی مسنجط نـیز بـیرون آمـده‌انـد، و قدرتمندان عاقل جهان را بر زمامداران جـاهل منطقه‌ای ترجیح می‌دهند آشکار است که حـتی اگر آمریکا صرفا به قصد منافع خود، اقـدام بـه جنگ علیه حکومت عراق و حکومت‌های مشابه کند، پیامد این حرکت در راستای تثبیت صـلح جهانی و توسعه امنیت و آزادی است. در دنیای امروز نیت‌ها به اندازه کارکردها اهمیت ندارد و لذا حتی اگر نیت اصلی آمریکا از حمله به عراق تثبیت قدرت خود به عنوان حاکم جهان باشد، مادام که کارکرد اصلی حـمله شـبیه بـه مـوارد یوگسلاوی و افغانستان باشد، مطلوب است.

بی‌تردید این حمله بیگناهانی را از دو طرف تلف کرده، به نابودی مـی‌کشاند. ولی تـرس از مشکـلات جـسانی و مـالی نـاشی از جـنگ، محاسبه‌ای خام‌انگارانه است. چه کسی می‌تواند تـضمین کـند کـه ادامـه حکـومت صـدام و حکومت‌های نظیر آن، متضمن بحران‌های جانی و مالی کمتر بوده است؟ در جنگ آمریکا علیه صرب‌ها نفوس بیشتری کشته شدند یا در طول مدت فتنه‌انگیزی ایشان؟ در مورد افـغانستان چطور؟

بیش از این جایز نیست رژیم‌های معدود به یادگارمانده از تیرانیسم شرقی و توتالیتاریسم غربی، قرن و هـزاره جـدید را تـهدید نـمایند. واقعیت این است که صـدام بـه جـرم نـابودی فرصت‌ها و سرمایه‌های مادی و معـنوی مـردم کشورش باید برود؛ و اگر مردم عراق نمی‌توانند این مهم را به فرجام رسانند و اگـر اعـراب یـا مسلمانان خود قادر به انجام این کـار نیـستند، بهتر است برای این که دیگری بـه جـای آنـان انـجام مـی‌دهد، سـپاسگزار بـاشند. مسلما سرنوشت مورد انتظار برای کودکان و جوانـان عراقی، حکومتی مـردمی است کـه بـا تـامین آزادی برای مـردم و کـنارگذاشتن تـروریسم بتواند در صلح و امنیت به جـامعه بـین‌المـللی بپیوندد و موجبات رشـد و تـوسعه پـایدار را فراهم سازد.

اگر برای روشنفکری امروز جهان به رسالتی باور داشته باشیم. آن همانا ابـراز پشـیمانی از میراث بـیگانه‌ترسی و ترویج آمـادگی بـرای زیست در جهان بدون مرز و متعهد به حـقوق بشر است. برای این کار، از حمله آمریکا به هر دولت قرون‌وسطایی دفاع کنیم.

جـمعی از دانشـجویان و دانش‌آمـوختگان دانشگاه صنعتی امیرکبیر (پـلی‌تکنیک تـهران) فروردین ۱۳۸۲ هجری شمسی برابر با آوریـل ۲۰۰۳ میلادی